

بسم الله الرحمن الرحيم

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۳۰۹۴ - ق مورخ ۱۳۶۶/۸/۲۸ و پیرو نامه شماره ۹۶۴۴ مورخ ۱۳۶۶/۹/۹؛
لایحه کار مصوب جلسه روز یکشنبه بیست و چهارم آبانماه ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی در شورای نگهبان
 مطرح و در جلسات متعددی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. اینک نظر شورای ایشا ذیل اعلام میشود:
"مقدمه" لازم بتذکرات ایراداتی که از لحاظ موازین شرعی برای قانون وارد شده است
بر اساس استظهار از ماده یک آن است که بعنوان لازم قانونی اشخاص مذکور را مکلف به تبعیت از
این قانون نموده است لذا بررسی و اظهار نظر در سایر مواد بطور مستقیم و بدون ارتباط با ماده
مذکور انجام شده بدیهی است چنانچه با فتوای حضرت امام خمینی مدظله العالی مجلس شورای -
اسلامی اصلاحاتی بعمل آورد شورای نگهبان با توجه به فتوای معظم له بررسی و اظهار نظر خواهد
نمود.

- اختیارات
- ۱ - ماده ۳ - اطلاق قسمت اخیر آن نسبت به مورخان از محدوده مفوضه از طرف کارفرما
خلاف شرع است.
 - ۲ - ماده ۷ - مدت قرارداد کار با بدو سبیل طرفین حسب مورد معین شود و الزام بر تعیین آن
طبق آئین نامه و یا قانون شرعی نیست.
 - ۳ - ماده ۸ - الزام کارفرما بموجب شرط بر آنچه در این ماده مذکور است جایز است و لیس
فی حدنفسه انعقاد قرارداد بدیه کمتر از این امتیازات با توافق طرفین ستمگری و ستم کشی نیست
و در هر حال اینگونه شروط باطل نمی باشد.
 - ۴ - ماده ۱۲ - در موارد مذکور در این ماده کارفرما ضامن مزد کارگر است و مالک جدید ضامن
نمی باشد.
 - ۵ - ماده ۱۳ - تبصره یک - از لحاظ اینکه مطالبات کارگران را بر سایر دینان مقدم داشتند
شرعی نمی باشد و ظاهراً تبصره ۲ نیز نظر بر اینکه حکم به ضمان مقاطعه دهنده است شرعی نیست.
 - ۶ - در مواد ۱۴ - ۱۵ و ۱۷ تعلیق قرارداد کار را از احکام قرارداد در موارد مذکور نیست.
اگر قرارداد کار بعضاً "یا کلاً" از ابتدا غیر قابل انجام گردد. در این صورت بحسب مسورد
بعضاً "یا کلاً" از همان ابتدا باطل می شود و در صورت اولی که بعضاً آن غیر قابل عمل شود
نسبت به بقیه کار فرما خیار فسخ (خیار تبعیض صقعه) دارد و اگر در اثناء مدت کلاً "یا بعضاً"
غیر قابل عمل شود در این صورت نیز نسبت به بقیه مدت در صورت غیر قابل انجام شدن بعضی
موضوع کار، قرارداد باقی است، با خیار فسخ در هر دو صورت و در صورت اخذ به خیار حکم پرداخت
اجرة المسمی است.



- ۷ - ماده ۱۸ - جبران ضرروزیان اگر مستند به عمل کارفرمانها شد شرعی نیست .
- ۸ - بر ماده ۱۹ نیز همان اشکال بر تعلیق وارد است و اگر پس از دوره نظام وظیفه مسدودت کار منقضی نشده است کارگر بلافاصله باید بکار خود برگردد .
- ۹ - ماده ۲۰ و تبصره آن با توجه به مواد گذشته اصلاح شود .
- ۱۰ - ماده ۲۱ بند "و" - استعفای کارگر بطور اطلاق و بدون اینکه خیار فسخ برای او در قرار داد منظور شده باشد موجب پایان قرارداد نیست و با استعفای مستند به فسخ بازگشت بکار نیاز به قرارداد جدید دارد .
- ۱۱ - ماده ۲۴ خلاف شرع است .
- ۱۲ - ماده ۲۵ خلاف شرع و از لحاظ تبعیض ناروا و عدم ملاحظه خیار رغبت برای کارفرما مغایر با قانون اساسی است .
- و نیز در تبصره این ماده و همچنین بعضی مواد دیگر "دادگاه کار" ذکر شده است که با توجه به سایر مواد باید اصلاح گردد .
- ۱۳ - تبصره ماده ۲۶ - قرارداد مطلق نمی شود و کارگر با اعلام آمادگی برای انجام کار حق دریافت اجرت ایام رسیدگی را در صورتیکه به محکومیت کارفرما منتهی شود را دارد و نیز خلاف قانون اساسی است .
- ۱۴ - ماده ۲۷ و تبصره یک - اطلاق ماده در غیر صورتی که تقصیر و قصور مربوط به شرایطی باشد که عقد مبنیاً بر آن شرایط واقع شده باشد شرعی نیست و در مواردی که حق فسخ ثابت است مشروط به تاءبید شورای اسلامی یا انجمن صنفی یا هیئت تشخیص نمی باشد و پرداخت وجهی علاوه بر دیونی که بموجب قرارداد بعهده کارفرماست بعنوان حق سنوات شرعی نیست و نیز از جهت اینکه نظرات شورای اسلامی یا انجمن صنفی را مؤثر دانسته خلاف قانون اساسی است و همچنین تبصره ۲ آن که تصویب آئین نامه و دستورالعمل را بعهده شورای عالی کار گذاشته است مغایر با اصل ۱۳۸ قانون اساسی است .
- ۱۵ - در ماده ۲۸ و تبصره های آن چنانچه در قانون شورا های اسلامی کار نیز ایراد شده است تجویز ادامه کار نمایندگان در کارگاهها بطور مطلق شرعی نیست .
- ۱۶ - در ماده ۲۹ آنچه بر عهده کارفرماست در صورتی که عمل به قرارداد بسبب اقدام او متوقف شده باشد پرداخت اجرت زمان توقف و بازگرداندن کارگر بحسب قرارداد است .
- ۱۷ - در ماده ۳۰ در صورتیکه بواسطه قوه قهریه و حوادث موضوع کار از بین برود و کارگاه جدید تاءسیس شود چنانکه تکلیف کارفرما به تاءسیس کارگاه جدید شرعی نیست الزام او بر ارجاع کار به کارگران کارگاه از بین رفته نیز شرعی نیست همچنانکه الزام کارگر نیز به بازگشت به آن کارگاه شرعی نمی باشد .



- ۱۸ - ماده ۳۱ خلاف موازین شرعی می باشد .
- ۱۹ - ماده ۳۲ خلاف موازین شرعی است و تبصره آن نیز چون در حدقا نونگزار است خلاف اصل ۸۵ قانون اساسی می باشد .
- ۲۰ - در ماده ۳۴ تبصره ۲ که تعیین ضوابط و مزایای مربوط را بعهده شورای عالی کار قرار داده است خلاف قانون اساسی می باشد .
- ۲۱ - در ماده ۳۶ الزام کارگرو کارفرما به شرایط واموری که در ضمن قرارداد مقرر نکرده باشند و یا اطلاق قرارداد موجب آن نشده باشد شرعی نیست .
- ۲۲ - تبصره ماده ۴۳ مبهم است و باید رفع ابهام گردد .
- ۲۳ - تبصره ماده ۴۹ خلاف شرع بوده طبق مراتب مقرر در تعزیر باید اصلاح گردد .
- ۲۴ - ماده ۵۳ - آن قسمت از تبصره که مدت کار متناوب را حداکثر ۱۵ ساعت در شبانه - روز مقرر داشته است خلاف شرع است .
- ۲۵ - تبصره ماده ۵۸ خلاف شرع است .
- ۲۶ - ماده ۵۹ با توجه به ایراد وارده بر تبصره ماده ۵۸ خلاف شرع است .
- ۲۷ - ماده ۶۰ - اطلاق آن در صورتی که مضر به کارگر و یا زاید بر توان جسمی او نباشد شرعی نیست .
- ۲۸ - مواد ۶۲ - ۶۴ - ۶۵ - ۶۶ - ۶۷ - ۶۸ و تبصره آن - ۶۹ - ۷۰ و ۷۲ خلاف شرع است مگر اینکه در قرارداد ذکر شده باشد . و در ماده ۶۸ و تبصره آن احاله به شورا های اسلامی شرعی نیست و در ماده ۷۰ پرداخت به عائله تحت تکفل معیار نیست و باید به وراث قانونی پرداخت شود .
- ۲۹ - ماده ۷۴ - هر زن یا مردی که کار سخت عاده " موجب ضرر غیر قابل تحمل بر او باشد از آن کار ممنوع است و لذا اطلاق آن در موردی که موجب ضرر غیر قابل تحمل و یا زاید بر توان کارگر زن نمی باشد شرعی نمی باشد . و از این نظر که در آن تصویب دستور العمل را بعهده شورای عالی کار قرار داده است خلاف قانون اساسی است .
- ۳۰ - ماده ۷۵ خلاف شرع است .
- ۳۱ - بر ماده ۷۶ همان اشکال مواد مذکور در بند ۲۷ وارد است و تبصره ۳ آن نیز خلاف شرع است .
- ۳۲ - ماده ۷۷ - اطلاق آن در مواردی که اطلاق قرارداد شامل کار مناسبت تر نشود خلاف شرع است .
- ۳۳ - ماده ۷۸ - نسبت به تعیین فرصت برای شیر دادن که در واقع استثناء است نظر باینکه قرارداد به آن منصرف است تا بیاید می شود ولی نسبت به تاء سین مراکز مذکور مشروعیت آن تابع قرارداد بین طرفین می باشد .



۳۴ - ماده ۷۹ - اطلاق آن در صورتی که با اجازه ولی و ملاحظه مصلحت صغیر باشد شرعی نیست .
۳۵ - ماده ۸۰ - الزام کارفرما به پرداخت هزینه آزمایش پزشکی در صورتی که طبق قرارداد نباشد شرعی نمی باشد .

۳۶ - ماده ۸۱ - اطلاق آن در موردی که تغییر شغل طبق قرارداد نباشد شرعی نیست .
۳۷ - ماده ۸۲ - اگر به شرط پرداخت مزد چهار ساعت باشد تبعیض و تحمیل بر کارفرما است و اگر مزد در مقابل همان سه ساعت کار باشد الزام غیر شرعی بر کارگر است .

۳۸ - ماده ۸۳ - اطلاق آن در نوع کارهایی که عاده " برای نوجوان مضر نباشد شرعی نیست .
۳۹ - ماده ۸۷ و تبصره ۳ - با توجه باینکه شورای عالی مذکور متشکل از وزیر و اشخاص غیر وزیر میباشد احاله تصویب چگونگی انتخاب و ضوابط به این شورا خلاف قانون اساسی است .

۴۰ - ماده ۸۸ - اطلاق آن نسبت به کارگاههایی که عرفاً " خانوادگی شمرده می شود خلاف شرع است هر چند بر رعایت بهداشت و حفاظت مکلف هستند .

۴۱ - ماده ۹۳ تبصره ۱ - الزام بر کسب نظر از شورای اسلامی یا انجمن صنفی و همچنین عدم کاهش حق السعی و انتقال به شغل مناسب دیگر در صورتیکه از مصادیق موضوع کاری که در قرارداد ذکر شده نباشد شرعی نیست .

۴۲ - ماده ۹۶ ابهام دارد و بر این اساس که مسئول حادثه ز نظر کیفی و حقوقی شخصی است که وقوع حادثه مستند به مسئولیت مستقیم و تقصیر یا قصور او باشد اصلاح شود .

۴۳ - در تبصره ۱ ماده ۱۰۶ صدور قرار بدون رسیدگی خلاف موازین قضائی است و همچنین دستور رفع تعطیل پس از رسیدگی بوسیله قاضی صادر می شود هر چند با زرس یا کارشناس رفیع نواقص را تاءیید نکرده باشد .

در تبصره ۳ - متضرر مطلقاً حق اقامه دعوا علیه شخصی که موجب ضرر شده است دارد و حصر آن در مدت معین شرعی نیست .

۴۴ - ماده ۱۱۴ - الزام بر برخورداری از مزایا در مواردی که مورد توافق طرفین قرار نگرفته باشد خلاف شرع است .

۴۵ - تبصره ۲ ماده ۱۲۰ که شرکتهای تعاونی را به (تولیدی ، کشاورزی ، صنعتی و خدماتی) تقسیم بندی کرده است خلاف اصل ۴۴ قانون اساسی است .

۴۶ - در تبصره ۱ ماده ۱۳۱ و تبصره ۱ ماده ۱۳۲ نظرباینکه آنچه از اصل ۲۶ قانون اساسی استفاده می شود آزادی فعالیت های گروهی و جمعی بصورت تشکل افراد است و شامل فعالیت های جمعی جمعیتها و انجمن ها نمی شود و چون این اصل مربوط به حقوق مردم است و اکتفاء قانون اساسی با اینکه در مقام بیان بوده است ، به این مقدار ظاهر در حصر است بنابراین تشکل انجمنها

و هیئتها از طریق سلسله مراتب بطور صعودی مغایر با قانون اساسی است و تبصره ۳ ماده ۱۳۱ و تبصره ۴ ماده ۱۳۲ نیز نظریاتیکه انجمنها و احزاب و جمعیتها نقش اجرائی در امور کشور ندارند در کیفیت اعمال حقی که بر حسب قانون در محدوده شرایط مذکور در اصل دارند مختار میباشند و اجراء آن به قوه مجریه ارتباط ندارد و تصویب آئین نامه اجرائی برای آن خلاف قانون اساسی است و الزام بر تشکیل انجمن، چنانکه از بعضی مواد و تبصرهها مثل تبصره ۳ ماده ۱۳۲ استفاده میشود، و محدود کردن تعداد آنها در هر صنف واحد و کارگاه نیز خلاف قانون اساسی است.

۴۷ - در تبصره مواد ۱۳۳ و ۱۳۴ الزام مذکور شرعی نیست و تهیه آئین نامه اجرائی برای موضوعی که اجرای آن با خود افراد است و همچنین آئین نامه اتحادیهها بقرض اینکه خود به اختیار تاءسیس میکنند از طرف قوه مجریه خلاف قانون اساسی است.

۴۸ - در تبصره ۲ ماده ۱۳۵ لزوم تصویب اساسنامه و آئین نامه از طرف شورای عالی کار خلاف قانون اساسی است.

۴۹ - ماده ۱۳۶ - قبلاً در این خصوص در بند سوم از نامه شماره ۹۸۳۶ مورخ ۱۳۶۲/۸/۱۲ شورای نگهبان در مورد طرح تشکیل شوراهای اسلامی کار بدین شرح اظهار نظر شده است:

"۳ - ماده ۲۲ تا ۳۱ که در آنها پیش بینی شوراهای مافوق (شورای اسلامی کار منطقه و شورای عالی اسلامی کار) شده با توجه باینکه تجویز تشکیل شوراهای مستند به اصل ۱۰۴ قانون اساسی است و باید از محدوده استفاد از آن اصل تجاوز نکند و آنچه از اصل مزبور فهمیده میشود منحصر "تشکیل شوراهائی در هر واحد جهت همکاری و ایجاد هماهنگی است بنا بر این تشکیل شوراهای اسلامی بالاتر با اختیاراتی بیشتر مغایر قانون اساسی است بجا " کلیه موادی که وظایف و اختیاراتی به شوراهای اسلامی کار منطقه و شورای عالی اسلامی کار داده است منتفی خواهد شد" و بدین ترتیب باید کانونهای مذکور در ماده ۱۳۶ حذف شود.

۵۰ - در مواد فصل هفتم نفس مذاکرات و درخواست تغییر شرایط و تجدید پیمان مانع شرعی و قانونی ندارد ولی الزام طرف مقابل بر قبول درخواست و تغییر شرایط عقد لازم بصورتهای مذکور شرعی نیست.

۵۱ - در ماده ۱۴۰ مقصود از پیمان دسته جمعی اگر عقد پیمان با وکلاء عدهای از کارگران باشد که همه کارگران آنها را نمایندند خود قرارداد داده باشند پیمان مشروع است و اگر انتخاب نمایندگان با کثرت آراء باشد، کما اینکه نوعاً چنین است، پیمان آنها نسبت به دیگران فضولی است و نافذ نیست.

و چنانکه گفته شد در مورد کانونهای عالی هم باید اصلاح شود.

- ۵۲ - در ماده ۱۴۱ مشروط کردن لزوم و قابلیت اجرای پیمان به تشخیص وزارت کار و امور - اجتماعی شرعی نیست و همچنین اطلاق بند ب نیز شرعی نمی باشد .
- ۵۳ - در ماده ۱۴۲ در صورتیکه قراردادی که در حال اجراء است عقد لازم باشد و موجبی از موجبات فسخ در بین نباشد تعطیل کار از طرف کارگر شرعی نیست و در صورت تعطیل ضامن ممنوع نباشد کارفرما باید مزد کارگر را بپردازد .
- ۵۴ - ماده ۱۴۴ طبق اظهار نظر مذکور در خصوص ماده ۱۲ اصلاح شود .
- ۵۵ - ماده ۱۴۵ - اعتبار قراردادهای جمعی مربوط به افرادی است که اعاله "یا وکالة" قرارداد را منعقد نموده اند و دیگران ملزم به قبول آن نیستند چنانکه الزام احد طرفین بر تجدید قرارداد جاری لازم شرعی نیست .
- ۵۶ - ماده ۱۴۶ - اولاً " نظر مساعد دادگاه برای در اختیار گرفتن اداره کارگاه شرعاً " کافی نیست و ثانیاً " در صورتی که دادگاه واجد صلاحیت مرجع باشد امر حکم با خود دادگاه است و بهر نحو مقتضی بداند کیفیت است اداره کارگاه را تعیین می نماید .
- بدیهی است که دادگاه با توجه به اطراف موضوع با تعیین مدت و مانند آن ترتیبی خواهد داد که در اسرع وقت کارگاه در اختیار کارفرما قرار گیرد و چنانچه این موضوع در اصلاحیه منظور شود مناسب است .
- ۵۷ - در ماده ۱۴۸ نظریات اینکه به قانون تاء مین اجتماعی زمان طاغوت ارجاع شده و قانون مذکور از طریق مجلس شورای اسلامی مراحل تصویب را طی نکرده است قابل تاء بیید نیست .
- ۵۸ - در ماده ۱۴۹ و تبصره ۲ آن الزام کارفرما مخالف موازین شرع است .
- ۵۹ - در مواد ۱۵۰ - ۱۵۱ - ۱۵۲ و ۱۵۳ الزامات مذکور خلاف موازین شرع است .
- تبصره ماده ۱۵۳ خلاف اصل ۱۲۸ قانون اساسی است چنانکه در مورد مشابه متذکر گردید .
- ۶۰ - ماده ۱۵۴ و تبصره های آن و همچنین ماده ۱۵۵ و تبصره ۱ آن خلاف موازین شرع است .
- ۶۱ - ماده ۱۵۸ مغایر با قانون اساسی است .
- ۶۲ - ماده ۱۶۴ خلاف اصل ۸۵ قانون اساسی است .
- ۶۳ - در تبصره ماده ۱۶۵ منع کارگر از مراجعه به هیئت بعد از گذشت مدت مذکور خلاف شرع است .
- ۶۴ - ماده ۱۶۶ و تبصره آن طبق نظری که در خصوص ماده ۲۷ داده شد باید اصلاح گردد .
- ۶۵ - ماده ۱۶۷ - آئین نامه نمی تواند وظائفی را مستقلاً برای شورای مذکور وضع نماید .



و در بند د تشکیل کانون عالی شوراهاى اسلامى کار خلاف قانون اساسى است همچنانکه در شکل هاى کارگرى قبلا" ايراد گرفته شد .

۶۶ - در فصل يازدهم - جرائم و مجازاتها - تخلف از شرط موجب خيارتخلف شرط است و چنانچه ذىالخيار اخذ به خيارتنمايد با تقاضاى او من عليهالخيار مجبوربه عمل به شرط ميشود .

۶۷ - ماده ۱۸۶ - تفويض وضع شرائط کاردرموارد مذکور به آئين نامهخلاف اصل ۸۵ قانون اساسى است .

۶۸ - ذيل ماده ۱۸۹ برخلاف اصل ۱۳۸ قانون اساسى است .

۶۹ - تاء بييد تبصره ماده ۱۹۵ بمعنى تاء بييد آئين نامه هاى مذکور در آن نيست .

۷۰ - و نيز درخاتمه متذکر ميگردد که مواد متعددى از جمله مواد ۳۱ - ۳۲ -

۴۰ (بند ۲) - ۴۵ (تبصره) - ۵۰ (تبصره ۱) - ۵۲ - ۵۶ - ۶۱ (قسمت اخيرتبصره ۱

و نيز تبصره ۲) - ۶۳ - ۶۵ - ۶۶ - ۷۲ (بند ب " برادر و خواهر ") - ۸۱ - ۸۲ و

۸۴ داراى بارمالى برآى دولت و خلاف قانون اساسى است .

دبير شوراي نگهبان

لطف الله مافى